

پژوهشی در کتب مقدس نحلهٔ بهائی

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۸/۲۵ تأیید: ۸۸/۱۱/۱

علیرضا روزبهانی بروجردی*

چکیده

قرآن کتاب الهی و آسمانی اسلام که محتوای آن مورد قبول بهائیان (هرچند ادعائی) نیز هست، مشخصه‌هایی برای کتاب آسمانی معرفی می‌کند که کتب مقدس بهائی در تمام موارد فاقد آن ویژگی‌هاست، کتاب‌های بیان، ایتقان و اقدس که به دستان ضعیف و ناتوان مدعیانی دروغین به نگارش در آمده تا به عنوان وحی آسمانی به بندگان خدا عرضه گردد، در این تحقیق به عنوان سه کتاب اصلی فرقهٔ بهائی از زوایای مختلف مورد نظر و توجه قرار گرفته است.

کتاب‌شناسی آثار، ارزش و اعتبار آنها برای بهائیان و بررسی مشخصه‌های اثبات‌کننده جعلی بودن و عدم وحیانی بودن این آثار وجههٔ همت قرار گرفته است که در ابتدا کتاب بیان به عنوان

* محقق و پژوهشگر.

اصلی‌ترین اثر مورد نقد قرار گرفته و نقص و اختلاف و فقر محتوایی، اشتباهات ادبی و در نهایت بی‌معنا بودن احکام بابی به معرض قضاوت نهاده شده است.

کتاب *ایقان* نیز به عنوان نخستین تألیف حسینعلی نوری (بهاءالله) در اثبات مدعای باب در این مقاله کاویده شده و با عناوین *دروغ‌پردازی در مورد تاریخ نگارش اثر «ایقان متمم بیان نیست»* / *ایقان و دعوت به ترک عقل / ابراز کینه و نفرت از علما / تحریف آیات قرآن، روایات و ایقان و اغلاط نقد و بررسی شده است.*

اقدس نیز که بهائیان آن را مهیمن بر جمیع کتب و صحائف آسمانی می‌دانند مورد توجه قرار گرفته است و کوشش شده تا با نگاهی به سبب نگارش و نقص و اختلاف در کتاب اقدس، عربی بودن اقدس، غلط‌نویسی‌های بسیار و عدم جامعیت کتاب به اثبات ادعا پرداخته گردد.

واژگان کلیدی: اقدس، ایقان، بیان، کتب مقدس، بهائیت

مقدمه

در اکثر ادیان، کتاب‌های مقدسی هست که منابع وحیانی و مانفیسست آن ادیان شناخته می‌شوند و در آنها عقاید اصلی، تشریح اندیشه و شیوه‌های عملکرد پیروان و تبلیغ عقاید، تبیین می‌گردد و در اختلافات نظری و عملی متدینان، محتوای آنها به منزله فصل الخطاب مورد استناد قرار می‌گیرد.* تورات، اوستا، ودا، زبور، انجیل، قرآن و... نمونه‌هایی از کتبی

* گرچه پاره‌ای اختلافات به علت تفاسیر و برداشت‌های متفاوت، همواره باقی می‌ماند.

هستند که برای مسلمین، مسیحیان، کلیمیان و... از اعتباری ویژه برخوردار هستند. رهبران بایبه و بهائیت نیز کتاب‌هایی را منتشر ساخته‌اند. موضوع این نوشتار، تنها بررسی آثاری است که رهبران نحله بهایی نگاشته‌اند؛ چرا که آنها نیز مکتوبات و الواحی را به مثابه کتب مقدس و منابع وحیانی معرفی نموده و کوشیده‌اند تا با ارائه آنها، به اثبات ادعای الهی بودن و ترویج عقاید خویش پردازند؛ بیان، ایقان، اقدس و... از کتب مقدس این نحله به‌شمار می‌رود.

بنای این قلم بر این است که پژوهشی کوتاه و درعین حال علمی، برای دستیابی به صدق و کذب ادعای بهائیان ارائه کند.

الف) کتاب بیان

بهائیت مولود باییت است؛ از این رو در آغاز، به بحث درباره کتاب بیان، مهم‌ترین اثر علی محمد باب شیرازی می‌پردازیم. این کتاب به دو بخش عربی و فارسی تقسیم می‌شود. در باره این اثر چنین آمده است:

این کتاب را به ۳۶۱ باب* یا به اصطلاح به «عدد کل شیء» بخش کرده در این خصوص در مقدمه بیان عربی می‌گوید: «و انا قد جعلنا ابواب ذلک الدین عدد کلشیء»، وی در باب نخست از واحد نخست همین کتاب به فارسی می‌نویسد: «و ابواب دین را عدد ۱۹ واحد قرار داده» (محمد حسینی، [بی‌تا]: ۹۳۸).

* ۱۹ واحد و هر واحد ۱۹ باب.

نسخ بیان

نسخ خطی متعددی از بیان فارسی، نزد افراد و در برخی کتابخانه‌های معروف جهان موجود است؛ اما نسخه بسیار مهم و معتمد به خط سیدحسین کاتب یزدی که هم‌اکنون در دارالآثار بین‌المللی در مرکز جهانی بهائی* در حیفا نگهداری می‌شود. کتاب بیان فارسی را ازلیه در ایران چاپ کرده است... (محمد حسینی: ۸۷۱).

تاریخ و مکان نگارش

بنابر اسناد گوناگون در دسترس، باب در زمانی که در زندان ماکو مجبوس بود، هر دو بخش بیان را نوشته است:

«در دوران سجن ماکو، کتاب مستطاب بیان (عربی و فارسی) و دلائل السبعه و نه تفسیر بر آیات قرآنیه و توفیقی منیع خطاب به محمد شاه و توفیقی دیگر نازل شد و تسوید گردید» (قدیمی، ۱۹۹۳: ۲۲)

بنابراین نگارش آن در سال ۱۲۶۴ هجری قمری اتفاق افتاده است؛ زیرا باب از شعبان ۱۲۶۳ تا جمادی‌الاول ۱۲۶۴ در ماکو بود (نوایی، ۱۳۶۲: ۲۳۸).
تنها عباراتی از باب اول از واحد اول - بیان عربی - به فارسی است. بیان عربی گاه در آثار باب، کتاب الجزا، نیز نامیده شده است (فاضل مازندارانی، ۱۲۹ بدیع: ۲، ۹۹-۱۰۱). در لغت‌نامه دهخدا درباره کتاب بیان آمده است:

* مقصود بیت‌العدل بهائیت در شهر حیفا واقع در فلسطین اشغالی است.

بیان عربی یا مجید

بیان عربی یا مجید - تألیف سیدعلی محمد باب است که آن را کتاب آسمانی خود معرفی کرده و در نظر داشته آن را مشتمل بر نوزده واحد و هر واحدی را بر نوزده باب تقسیم کند ولی به تصریح صیح ازل و حاجی میرزا جانی در تاریخ قدیم (ص ۲۴۴ سطر ۶ و ۱۴) یازده واحد بیش نیست و بقیه «در مشیئة الله محتجب شده» و ازین یازده واحد هم قسمتی از بین رفته است و نسخ بیان که در دست است به باب دهم از واحد نهم ختم می‌شود.* (دهخدا، ذیل واژه «باب»).

بیان فارسی

این کتاب تفسیری است از بیان عربی. مسیو نیکلا فرانسوی، مکرر در مجلد اول تاریخ خود موسوم به تاریخ سیدعلی محمد باب، از جلد دوم تاریخ خود یاد می‌کند و این جلد ترجمه‌ای است از بیان فارسی به زبان فرانسوی که در چهار مجلد و در ۱۱۹۱ میلادی در پاریس منتشر کرده است و برای هر مجلد، مقدمه‌ای جداگانه نوشته است (همان).

البته بهائیان علت عدم اتمام کتاب بیان را نزدیکی ظهور من یظهره الله می‌دانند (محمد حسینی: ۸۷۱) و این بنا بر نص صریح باب دربارهٔ یوم من یظهره الله مردود است؛ زیرا باب ظهور «من یظهره الله» را حداقل ۱۵۱۱ سال یا حداکثر

* این کتاب در جامع ازهر موجود است.

۲۰۰۱ سال بعد از خود دانسته است. او در بیان فارسی می‌نویسد:

«اگر شنیدید ظهوری ظاهر شده به آیات، قبل از عدد اسم الله الاغیث (معادل ابجدی ۱۵۱۱)، که کل داخل شوید، و اگر نشده و به عدد اسم الله المستغاث (معادل ابجدی ۲۰۰۱) منتهی شده و شنیده اید که نقطه ظاهر شده و کل یقین نکرده اید رحم بر انفس خود کرده و کل بکلیه در ظل آن نقطه ظاهره که داخل نشده اید مستظل گردید..» (باب، [بی تا] (بیان فارسی): باب ۱۶ از واحد ۲)

اهمیت این اثر

باب درباره اهمیت این اثر می‌نویسد:

«ان الیابان میزان عندالله الی یوم یظهره الله من اتبعه نور ومن ینحرف عنه النار» (باب [بی تا]، بیان عربی: ۳).

وی برای تأکید بیشتر، آئین خویش را به نام این کتاب تسمیه نموده است.

نقد اثر

علی محمد باب نه از دانش کافی برخوردار است و نه در مجامع علمی قابل اعتنایی تردد داشته است تا او را در نگارش اثری که حداقل ظاهری علمی داشته باشد یاری دهد. او برای نگارش کتاب خود، از هیچ منبع علمی پیروی نمی‌کند. تنها هدف او در نگارش این اثر، اثبات ادعای عجیب و غریب خویش است.

مطالعه کتاب بیان، هر خواننده‌ای را به حیرت می‌افکند و به شگفتی‌وامی دارد؛ حیرت از این جهت که چگونه فردی می‌تواند این حجم از مطالب بی‌معنا را در کتابی جمع کند و مدعی الهی بودن آن گردد؛ و شگفتی از

اینکه چگونه انسان‌هایی صاحب خرد، داعیه نویسنده را پذیرا شوند و او را رسولی از جانب خدا بدانند. بی تردید این جملات نه به قصد قدح و تنقیص بیان و مصنف آن، بلکه تنها بیان واقعیت است. علی محمد باب در سراسر این اثر، تنها می‌کوشد به نوعی داعیه بی‌معنای خود را اثبات کند.

۱. چرا بیان ناقص مانده است؟

اولین نقدی که متوجه نویسنده بیان است، ناقص ماندن این اثر است. نکته جالب آنکه علی محمد شیرازی معجزه خویش را تندنویسی عنوان می‌کند و می‌گوید:

«از نفسی که ۲۴ سال از عمر او گذشته و علومی که کل به آنها متعلم گشته متعری بوده و حال که به این نوع تلاوت آیات می‌نماید، بدون فکر و تأمل و در عرض ۵ ساعت، ۱۰۰۰ بیت در مناجات می‌نویسد، بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیه» (بیان فارسی: باب اول از واحد ثانی، ۱۳).

یکی از مؤلفان بهائی در کتاب خود می‌نویسد:

«...خود حضرت باب در مجلس ولیعهد می‌فرمایند: که ظرف دو شبانه روز، معادل قرآن آیات الهی نازل می‌فرمایند...» (قدیمی: ۵۰).

سؤالاتی صدق ادعای نویسنده بیان را به چالش می‌کشاند و دروغ‌پردازی‌های او را آشکارا به نمایش می‌گذارد. اگر خدا او را برای هدایت بشر مبعوث کرده است:

- چرا این پیامبر که معجزه‌اش تندنویسی است، قادر به اتمام کتاب آسمانی خویش نمی‌شود؟

• چرا خدا کسی را مبعوث کند، اما فرصت اتمام کتاب را به او ندهد؟
 • در تاریخ کدام یک از انبیا، چنین چیزی سابقه داشته است؟
 میرزا حسینعلی نوری که مدعی حقانیت ادعای علی محمد شیرازی است، بدون توجه به این سؤالات، با مفاخره کثرت مؤلفات باب را به رخ می‌کشد و می‌نویسد:

«انبیای اولوالعزم، عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لایح است مفتخر شدند هر کدامشان به کتابی که در دست و محاسبه شده و آیات آن احصا گشته و از این غمام رحمت رحمانی-علی محمد باب- این قدر نازل شده که هنوز احدی احصاء ننموده چنانچه بیست مجلد الان به دست می‌آید و چه مقدار هنوز به دست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده و به دست مشرکین افتاده و معلوم نیست چه کرده‌اند» (نوری، ۱۴۴).

در جواب میرزا حسینعلی باید گفت: جناب میرزا، وقتی بنا باشد عباراتی نامفهوم و بی‌معنا نوشت که تنها ثمره آن تسوید دفاتر است، دیگر کثرت نوشتجات نه تنها ارزش مفاخره ندارد، بلکه اساساً موجب شرمساری خواهد بود. برای اثبات مدعای خود، قسمت‌هایی از آثار باب را برای قضاوت درباره ارزش آنها به تماشا می‌گذاریم:

«آثارالنقطه جل وعز البیان فی شئون الخمسه من کتاب الله عز وجل کتاب الفأ بسم الله الأبهی بالله الله البهی البهی، الله لا اله هو الابهی الابهی الله لا اله الا هو البهی البهی، الله لا اله الا هو المبتهی المبتهی، الله لا اله الا هو المبهی المبهی، الله لا اله الا هو

الواحد البهيان. والله بهى بهيان بهأ السموات والارض وما بينهما والله بهأباهى بهى والله بهى بهيان بهيه السموات والارض وما بينهما والله بهيان مبتهى مبتهاً والله بهى بهيان ابتهاً السموات والارض وما بينهما والله بهيان مبتهى مبعها» (باب رساله پنج شأن: ۱۷۲)

«... سبحانك اللهم يا الهى لاشهدنك وكل شىء على انك انت الله لا اله الا انت وحدك لاشريك لك لك الملك والملكوت ولك العز والجبروت ولك القدرة واللاهوت ولك القوة والياقوت ولك السلطنة والناسوت ولك البهية والبهوت و لك الجلة والجللوت ولك العظمة والعصموت ولك النورة واللتوروت ولك الرحمة والرحموت ولك النعمة والنهموت ولك الرفعة والرفعوت ولك الشرفه والشرفوت ولك الكبره والكبروت ولك الكملة والكملوت ولك العزة والعزوت ولك العللمة والعلموت ولك القدرة والقدروت ولك الرضية والرضيوت ولك الحبة والحببوت ولك السطة والسلطوت ولك العلمة والعلموت ولك العلية والعلبوت ولك الشمخة والشمخوت ولك البذخة والبذخوت ولك النعة والمنعوت ولك المنة والمننوت ولك القدمة والقدموت ولك الكرمه والكرموت ولك لطفة واللطفوت...» (باب رساله پنج شأن: ۱۱۳)

با ملاحظه عبارات و اشتقاقات و تکثیر کلمات ذکر شده در کتاب پنج شأن که فقراتی از آنها آورده شده *حکم هر خواننده ای بر این خواهد بود که مؤلف این کتاب ۴۰۰ صفحه ای از سلامت عقل بهره نداشته، به گونه ای که حتی مبلغان بهائی که علی محمد شیرازی را سلطان رسل خطاب می کنند، از انتساب این کتاب به وی شرم دارند؛ نویسنده کتاب

جواب پاره شبهات، درباره کتاب پنج شأن به اظهار نظر می‌پردازد و می‌نویسد:

«اسم این کتاب در ضمن آثار کثیره حضرت نقطه اولی ذکر شده، و از آن صورت و کتب در کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی نقل گردیده، ولی اصل کتاب عجاله در تهران به دست نیامده، هر عبارتی که به این کتاب نسبت می‌دهند، البته چنین عبارتی معقول نیست که باشد؛ زیرا از این عبارت چیزی مفهومی نمی‌شود، جملات ارتباط و معنی درستی ندارد و البته عبارت ساختگی است...» (یزدانی، ۱۳۴۰: ۲۶)

و البته در اصالت استناد این اثر به علی محمد باب تردیدی نیست؛ چرا که بسیاری از نویسندگان بهائی از جمله مبلغ معاصر بهائی، نصرت‌الله محمد حسینی، نه تنها اصالت آن را تأیید می‌کند، که در کتاب خود نیز به فقراتی از آن برای اثبات حقانیت بها استناد می‌ورزد.^{*} اکنون خود قضاوت کنید.

۲. این حجم از اشتباهات ادبی مسلم برای چیست؟

نقد دیگری که بر کتاب بیان وارد است، وجود اغلاط فراوان ادبی انکارناشدنی در این کتاب است، و توجیه رهبران فرقه برای گریز از این رسوایی نشان‌دهنده عمق جهالت مدعیان علم لدنی است.

* البته این تصریح اختصاصی به فرد یاد شده ندارد و رهبران و مبلغان دیگر بهائی نیز به این مسئله اذعان کرده‌اند.

الف) عذر بدتر از گناه

شخص علی محمد باب، خود نیز به این اغلاط و اشتباهات ادبی خویش واقف بوده برای گریز از این نقص عذری می‌آورد که مصداق بارز عذر بدتر از گناه است. او می‌گوید:

«... اگر نکته‌گیری در اعراب و قرائت یا قواعد عربیه شود، مردود است؛ زیرا که این قواعد از آیات برداشته می‌شود نه آیات بر آنها جاری می‌شود و شبهه نیست که صاحب این آیات، نفی این قواعد و علم آنها به خود نموده بلکه هیچ حجتی نزد اولوالالباب از عدم علم به آنها و اظهار این نوع آیات و کلمات اعظم‌تر نیست؛ زیرا که ثمره این علوم فهم کتاب‌الله است و بر شجره‌ای که کتاب‌الله نازل می‌نماید، علم به این علوم لازم نبوده و نیست...» (باب [بی‌تا] [بیان فارسی]):
باب اول از واحد دوم)

ب) اهانت به قرآن برای توجیه اشتباهات بیان

رهبران بایبه و بهائیت، آنگاه که نتوانسته‌اند برای مخفی کردن اشتباهات آشکار کتاب بیان راهی بیابند و این لکه ننگ را از تارک علی محمد شیرازی پاک کنند، با دروغی دیگر به تحریف حقایق پرداخته و مدعی اغلاط قرآن مجید شده‌اند. استاد محمدباقر نجفی در کتاب پر ارج بهائیان، به نقل از احمد کسروی در کتاب بهائیگری آورده است:

«... عبدالبهاء در کتاب مقاله سیاح، در این باره چنین می‌نویسد: نکته نحوی گرفتند احتجاج به قرآن نمود و اینان بمثل منافی قواعد نحو از آن بیان کرد. ببینید که چگونه داستان را به رنگ دیگری انداخته و

دروغی از خود به آن افزود؛ زیرا چنانچه پیداست، به باب غلط نحوی گرفته‌اند غلط‌های بسیار آشکار- (نه نکته) آنگه باب درمانده و پاسخی نتوانسته، نه آنکه پاسخ گفته و از قرآن نیز مانده‌هایی یاد کرده. این یک نمونه است که چگونه ناچار شده‌اند تاریخ را کج گردانند و به داستان‌ها رنگ‌های دیگر دهند.» (نجفی، ۱۳۸۰: ۲۳۴)

۳. فقر معنوی بیان

کتاب بیان نیز مانند سایر آثار باب، از نظر محتوا ارزش و اهمیتی ندارد. جستجوی سطر به سطر کتاب بیان روشن می‌کند که مؤلف این اثر بهره‌ قابل قبولی از علوم متعارف زمان خود نداشته و هیچ مطلب ارزشمندی در این اثر دیده نمی‌شود. این کتاب نه تنها هیچ شباهتی به کتب آسمانی ندارد، بلکه بیشتر به دفتری از اعتقادنامه شیعیان غالی شبیه است که سراسر، ادعا و خالی از هر گونه بحث عقلانی است. احکام موجود در این کتاب نیز به قدری نامعقول و خشن جلوه می‌کند که نمی‌توان تصور حیاتی سعادت‌مند از اجرای آن احکام را داشت.

به عنوان نمونه و مشتتی از خروار، نگاهی به برخی از عبارات بیان خالی از لطف نیست:

«شبهه ای نیست که هر مرآتی که مقبل شمس می شود، خود مستشرق می شود والا خود بنفسه طالع می شود و غارب می گردد و عز کل است که به ثمره وجود خود که فوز به لقاءالله و ایمان به آیات اوست برسند والا خود شیء باطل می گردد بنفسه و همین شجره است که غرس شجره قرآن را در افنده مردم نمود، از برای امروز و امروز کل خود را نسبت به او مفتخر و معزز می داند و می کنند آنچه که می کنند

و این است معنی لاحول و لا قوه الا بالله در تشریح الا اگر این نسبتی که حقیقت ندارد، از خود سلب نمایند به قدر ذبانه قدرت ندارند...» (باب [بی تا] (بیان فارسی): باب اول از واحد ثانی)

«... ینبغی لمن یدرک من یظهره الله این یسئل من فضله اذا شاء یمن علیه فلیشرفن مقعده بتراب نعلیه...» (باب [بی تا] (بیان عربی): باب ۷ از واحد ۷) سزاوار است برای کسی که درک [زمان حضور] من یظهره الله را می‌نماید، از فضل او بهره‌ای برگیرد، [بنابراین] از من یظهره الله بخواهد منت بر او بگذارد و مقعد او را به خاک کفش‌هایش مشرف نماید.

جالب اینجاست این عبارت را که نه تنها بی‌معنا بلکه بسیار رکیک و شرم‌آور است، حیدرعلی اصفهانی در کتاب *دلایل العرفان* به عنوان یکی از آیات مهم باب، مورد اشاره قرار می‌دهد (اصفهانی، ۱۳۱۲: ۲۲۳).

۴. تأویلات نابجا

درک ناقص و البته نادرست علی‌محمد باب از کلمات عرفا و فلاسفه و تأویلاتی که از برخی ارباب مسالک و مذاهب به گوشش خورده بود، موجب ادعاهای بی‌دلیلی از سوی این جوان شیرازی شد، که فارغ از هر گونه مبنای علمی و منطقی بود و فقط مراتب جهل و قصور اندیشه او را آشکار ساخت. مرحوم علامه مصطفوی در کتاب *محاکمه و بررسی باب و بها* در این باره می‌نویسد:

سید باب در باب سابع از واحد ثانی بیان می‌گوید:

«مراد از یوم قیامت یوم ظهور شجره حقیقت است و مشاهده نمی‌شود که احدی از شیعه یوم قیامت را فهمیده

باشد، بلکه همه موهوماً امری را توهّم نموده که عندالله حقیقت ندارد و آنچه عندالله و عند عرف اهل حقیقت، مقصود از یوم قیامت است، این است که از وقت ظهور شجره حقیقت (پیغمبر) در هر زمان به هر اسم الی حین غروب آن یوم قیامت است؛ مثلاً از یوم بعثت عیسی تا یوم عروج آن قیامت موسی بود که ظهور الله در آن زمان ظاهر بود به ظهور آن حقیقت که جزاء داد هر کس که مؤمن به موسی بود... و از حین ظهور شجره بیان الی ما یغرب قیامت رسول الله هست که در قرآن خداوند وعده فرموده بود که اوّل آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنة (۱۲۶۰) اوّل یوم قیامت قرآن بود... الخ.»

مصطفوی در ادامه می نویسد:

«سید باب در برخی از کلمات عرفاء یا تأویلات اسمعیلیّه و دیگران یا در تعبیرات مجازیّه بعضی از روایات شریفه، به این معنی (تأویل قیامت به قیام) برخورده است، ولی متوجّه نشده است که تأویل و مجازگویی و تشبیه، غیر از حقیقت است.»

نهایت کلام اینکه چهارده باب از واحد اول و یک باب از واحد دوم... تنها به شرحی مبسوط بر رجوع حضرت حجت، در باب اول از واحد دوم - پرداخته و از شرح نوشتن بر رجوع به اصطلاح خود باب - سایر ائمه خودداری و درباره آن تنها به نگاشتن یک خط بسنده کرده است.

بحث درباره بیان را با عبارت ارزنده از مرحوم اعتضادالسلطنه، نویسنده کتاب *فتنه باب پایان می دهیم*:

«این است آنچه به اسم «کتاب» برای معتقدین به خود آورده و لطف کلام در این است که این نوشته‌ها را "معجزه" خود می‌داند؛ معجزه‌ای که نه سر دارد نه ته! نه از لحاظ ادبی اهمیتی را حائز است، نه از لحاظ دینی یا فلسفی یا علمی. برای نشان دادن اسلوب مکرر و درازنویسی لاطائل وی، من عقیده دارم همین مقدار کافی است.» (نوایی، ۱۳۶۲: ۱۴).

ب) کتاب ایقان

کتاب ایقان، اثر میرزا حسینعلی بهاء، قدیمی‌ترین کتاب بهائیت است. شوقی افندی، درباره این کتاب می‌نویسد:

«در بین جواهر اسرار مخزونه و لئالی ثمینه مکنونه که از بحر زخار علم و حکمت حضرت بهاء‌اله ظاهر گردیده، اعظم و اقدم آن کتاب مستطاب ایقان است» (شوقی افندی، ۱۴۹ بدیع / ۱۹۹۲: ۲، ۱۴۷).

موضوع کتاب، اثبات دعاوی علی محمد باب و مخاطب اصلی کتاب، دایی بزرگ باب، یعنی سیدمحمد تاجر شیرازی است تا او را به دعوت جدید مؤمن گرداند. (نوری، ۷۶) علی‌رغم ادعای عبدالبهاء درباره ایمان آوردن نام‌برده، مورخان او را تا آخر عمر، مسلمانی معتقد و نه بایی، شمرده‌اند، مرحوم محیط طباطبائی در این باره می‌نویسد:

چنان‌که از روایات منقول و تفسیر و تبیین کتاب/ایقان خاطر نشان می‌گردد، سید محمد تاجر شیرازی، دایی بزرگ سیدعلی محمد باب که مانند قاطبه اقارب پدری سید و خواهر او که مادر سید باب باشد بر عقیده مذهبی پدران خویش استوار بودند و نسبت به دعاوی سید علی محمد، خواهرزاده‌اش، اعتقادی نداشت.

تاریخ و مکان نگارش

میرزا حسینعلی بهاء پس از رفع مقطعی کدورت‌هایش با عزل پیشوای وقت بایه، از کوه‌های سلیمانیه به بغداد مراجعت کرد و این کتاب را که به آن تعلق خاطری بسیار دارد، برای سیدمحمد، دائی علی‌محمد شیرازی، نوشت از جمله ویژگی‌های آشکار این اثر، تأثیر مجالست و همنشینی با درویشان نقشبندی سلیمانیه است که در عبارات کتاب کاملاً پیداست. میرزا حسینعلی در سال ۱۳۰۸ به وسیله پسرانش میرزا محمد، علی و میرزا آقاجان خادم، آثار خطی خود را در بمبئی به چاپ رساند. او بعد از چاپ آثارش اعلام کرد همه نسخه قبلی بی‌اعتبار است و باید نسخه‌های دیگر بر اساس آن تصحیح شود.

اهمیت این اثر

میرزا حسینعلی نوری، خود درباره یقان می‌گوید:

«آنچه ذکر شده، جمیع ارض و من علیها را کافی است و فی الحقیقه جمیع کتب و اسرار آن در این مختصر ذکر شده به قسمی که اگر کسی قدری تأمل نماید، جمیع اسرار کلمات الهی و امور ظاهره از آن سلطان حقیقی را از آنچه ذکر شده ادراک می‌نماید» (همان: ۱۵۸).

شوقی ربانی افندی، اولین و آخرین ولی امر فرقه*، نیز در نشان دادن اهمیت این

* از بیست و چهار ولی امر خیالی که عبدالبهاء نوید حکومت آنها را بر جامعه بهائی داده بود.

کتاب برای نحلۀ بهائی می‌نویسد:

«در بین جواهر اسرار مخزونه و لئالی ثمینۀ مکنونه که از بحر زخار علم و حکمت حضرت بهاء‌اله ظاهر گردیده، اعظم و اقدم آن، کتاب مستطاب/یقان است» (شوقی‌افندی، ۲، ۱۴۷).

بیت‌العدل جهانی بهائی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته، دربارهٔ اهمیت آن برای اعضای حزب بهائی می‌نویسد:

«این کتاب شریف، در حد خود بهترین گواه دانش غیبی و مظهریت الهی جمال مبارک است (نوری، یقان). به طور کلی می‌توان گفت که در بین کتب و آثاری که از قلم مُلهم شارع امر بهائی نازل گردیده، کتاب مستطاب/یقان بنفسه، نظر به حل مشاکل و غوامض آیات الهیه که لازال عدم فهم آن سبب تخالف و تنافر احزاب و امم عظیمه بوده، اساس متین و استواری جهت وحدت کل ملل و نحل و ائتلاف اقوام و مذاهب متنوعه برقرار نموده است» (شوقی‌افندی، ۱۹۹۲: ۲۸۵ - ۲۸۷).

نقد اثر

(۱) دروغ‌پردازی دربارهٔ تاریخ نگارش اثر

شوقی‌افندی، آخرین ولی امر بهائی، در این باره می‌نویسد: «... در سنین اخیره دورهٔ اقامت بغداد* طی دو شبانه‌روز از قلم مبارک

* ۱۲۷۸ هجری مطابق با ۱۸۶۲ میلادی.

نازل گردیده» (شوقی افندی، ۱۴۹ بدیع / ۱۹۹۲ م: ۲، ص ۱۴۷).

ادعای شوقی در این جملات، عاری از حقیقت است؛ زیرا وی زمان صرف شده برای نگارش ایقان را دو روز بیان می کند، اما بنا بر اطلاعاتی که از مطالعه این اثر به دست می آید، میرزا حسینعلی نوری، ایقان را طی مدت دو سال نگاشته است.

حلبی می نویسد:

تاریخ نوشتن این کتاب، به موجب تصریح شوقی افندی، جانشین عبدالبهاء، در صفحه ۱۴۸ قسمت دوم قرن بدیع و تصریح اسلمنت در صفحه ۴۹ کتاب بهاء الله و عصر جدید سال ۱۲۷۸ قمری هجری می باشد و خود بهاء الله در صفحه ۱۳۸ همین کتاب / ایقان می گوید هجده سنه می گذرد که بلایا از جمیع جهات مثل باران بر آنها (یعنی بابی ها) باریده آمد؛ و چون ۱۸ سال را بر ۱۲۶۰ که سنه اول ظهور سید باب است علاوه کنیم ۱۲۷۸ می شود؛ ولی از صفحه ۱۰۶ کتاب / ایقان ۱۵۷ صفحه ای، از سطر اولش که می گوید: «باری هزار و دویست و هشتاد سنه از ظهور نقطه فرقان گذشت» معلوم می شود که در سال ۱۲۸۰ نوشته شده است و اگر بخواهیم جمع بین هر دو گفتار را بنماییم، باید بگوییم که این کتاب را در ظرف دو سال نوشته اند که ابتدایش ۱۲۷۸ بوده و اختتامش ۱۲۸۰ (حلبی، [بی تا]: ۴).

۲) ایقان متمم بیان نیست

کتاب بیان، اثر علی محمد شیرازی، قرار بود در ۱۹ واحد و ۳۶۱ باب باشد، ولی ناتمام و ناقص باقی ماند؛ زیرا باب تنها «۱۶۲» باب از بیان

فارسی (تا باب دهم از واحد نهم) و «۲۰۹» باب از بیان عربی (تا آخر واحد یازدهم) را موفق شد بنویسد. شوقی افندی کتاب/یقان را متمم بیان به‌شمار می‌آورد:

«و با نزول آن بشارت حضرت باب تحقق پذیرفت و وعده الهی که حضرت موعود، بیان فارسی را که ناتمام مانده تکمیل خواهد فرمود به انجام پیوست (شوقی افندی، ۱۴۹ بدیع: ۲، ۱۴۷).

مطالعه کتاب/یقان نشان می‌دهد این کتاب، حداکثر ۲ باب بیشتر نیست و تا ۳۶۱ باب بیان فارسی ۱۹۷ باب کم دارد، ضمن آنکه بیان عربی نیز ناقص است.

۳) یقان و دعوت به ترک عقل

بهاء با تظاهر به روشن‌بینی، مریدان خویش را به تفکر در آثار مدعیان ادیان فرا می‌خواند:

«باری، در کلمات شمس حقیقت باید تفکر نمود» (حسیسنعلی نوری، یقان: ۱۲۰).

او به آنان که توانایی تحلیل آثار مدعیان را ندارند توصیه می‌کند:

«باید از واقفین مخازن علم سؤال شود تا بیان فرمایند و رفع اشکال نمایند، نه آنکه به عقل ناقص خود کلمات قدسیه را تفسیر نمایند و چون مطابق نفس و هوای خود نیابند، بنای رد و اعتراض گذارند» (همان).

البته مقصود وی از «واقفین مخازن علم» دانشمندان نیستند؛ چرا که او علما را از جرگه واقفین مخازن علم جدا می‌کند و می‌نویسد:

«نصیحت انبیاء این است که به گوش و چشم خود ببینند و بشنوند، نه رجوع به علما» (همان).

نویسنده/یقان با درخواستی عجیب از مردم می‌خواهد تمام علوم عقلی و نقلی، کتباً و شفاهاً را به کنار نهند تا بتوانند به حقیقت ادعای باب پی ببرند. بر اساس خواهش میرزا، باید از تمسک به ظواهر آیات و روایات و کلام علما و دانایان دوری کرد، تا از درک حقیقت و وصول به سرچشمه حیات و معرفت محجوب و محروم نگردید. او علت مهجور ماندن امم قبل از وصول به مقام لقاء حقیقی انبیاء و مظاهر امر الله را تمسک به ظواهر منقولات و پیروی از علما و پیروی از ادله عقلیه می‌داند. پس امت اسلام هم اگر بخواهند به حقیقت و حقانیت ظهور باب نائل شوند، باید به ظواهر آیات و روایات متمسک نشوند و مخصوصاً توجهی به تمام آنچه علما می‌گویند نکنند و فقط تأویلات و توجیهاات و منقولات و مکتوبات باب و بهاء را بپذیرند، تا حق بر آنها ظاهر و هویدا شود. میرزا واقعاً انتظار دارد مردم هر چه او می‌گوید، هر چند مخالف فهم و علم و علما و کتاب باشد، قبول کنند (همان: ۵۰). او تنها کسانی را عالم می‌شناسد که به او و باب ایمان آورده باشند، خواه بهره‌ور از گوهر علم باشند، خواه نباشند؛ و بالعکس هر که خرمنی از دانش بوده، اما باب و بها را به پیشیزی نخریده، از گوهر علم و فضیلت تهی است. میرزا نوشته است:

«بر هر نفسی از علما، حکم ایمان از مبدأ عرفان در یوم تغابن و احسان جاری شد، حکم علم و رضا و نور و ایمان درباره او صادق است و الا حکم جهل و نفی و کفر و ظلم در حق او جریان یابد» (همان: ۲۴).

او از فقهاء و علمای بیان استدعا می نماید که چنین مشی نمایند و بر جوهر الهی و نور ربّانی و صرف ازلی و مبدأ و منتهای مظاهر غیبی در زمن مستغاث وارد نیاورند آنچه در این کور وارد شد و به عقول و ادراک و علم متمسک نشوند و به آن مظهر علوم نامتناهی ربّانی منخاصمه نمایند. (نوری، ایقان: ۱۶۴) و نیز آورده است:

«الیوم چه مقدار از علماء نظر به اعراض در اسفل اراضی جهل ساکن شده‌اند و اسامیشان از دفتر عالین و علماء محو شده؛ و چه مقدار از جهّال، نظر به اقبال، به اعلیٰ افق علم ارتفاع جستند و اسمشان در الواح علم و به قلم قدرت ثبت گشته» (همان: ۹۷).

آشکار است که میرزا، تنها به پیشبرد اهداف فرقه مورد علاقه خویش می‌اندیشد و در این راه هیچ ابایی ندارد که ناجوانمردانه‌ترین اتهامات و زشت‌ترین دروغ‌ها را به زبان آورد. آنچه در عناوین زیر از نظر می‌گذرد، فهرستی از اتهامات میرزا بهاء به علمای ادیان و به‌ویژه عالمان شیعه است:

۱. از امتحانات الهیه سالم نماندند (همان: ۵۵)؛
۲. از مقصود قیامت واقف نشدند (همان: ۵۱-۹۶)؛
۳. اعراض از جمال حق نمودند (همان: ۱۴۲)؛
۴. انبیاء را به اجازه آنها شهید کردند (همان: ۱۰)؛
۵. باب علم را مسدود دانسته‌اند (همان: ۲۰)؛
۶. به جواهر علم... جهل‌ها و عیوب نسبت می‌دهند (همان: ۲۹)؛
۷. به غیر ذهب مذهبی نیافته‌اند (همان: ۱۴۱)؛
۸. تاهت العقول فی افعالهم... (همان، ص ۱۴۵)؛

۹. جز هوی الهی نجویند (همان: ۲۰، ۱۴۱)؛
 ۱۰. جمیع به این حجبات محتجب مانده‌اند (همان: ۱۰۰)؛
 ۱۱. جهل را علم نام گذاشته‌اند (همان: ۱۲۰)؛
 ۱۲. دو نفس بر یک کلمه مشاهده نمی‌شوند (همان: ۲۰)؛
 ۱۳. رموز کتب الهی را درک نکردند (همان: ۳۰، ۲۷، ۱۸، ۵۳، ۵۵، ۸۲، ۸۳)؛
 ۱۴. صراحت کتب در عداوت آنان با مظهر ظهور (همان: ۱۶۰)؛
 ۱۵. ضلالت آنان (همان: ۲۸، ۱۷۱)؛
 ۱۶. ظلم را عدل نامیده‌اند (همان: ۱۲۰)؛
 ۱۷. علم را از منبع او اخذ نمودند (همان: ۲۷)؛
 ۱۸. علوم مردوده را شرط ادراک... شمرده‌اند (همان: ۱۲۳)؛
 ۱۹. عوامل احتجاب خلق‌اند (همان: ۱۱، ۹، ۲۱، ۲۰، ۵۵، ۱۱۵، ۱۱۲)؛
 ۲۰. مردم را از سبیل حق منع می‌نمودند (همان: ۱۰، ۱۱۰)؛
 ۲۱. معانی کلمات الهیه را ادراک ننمودند (همان: ۱۲۱)؛
 ۲۲. معنی علم را ادراک نکردند (همان: ۱۲۱)؛
 ۲۳. قلت میزان ادراک آنان (همان: ۹۱)؛
 ۲۴. نظر به اعراض در اسفل اراضی جهل ساکن شده‌اند (همان: ۹۷)؛
 ۲۵. نفوس قدسیه را به نسبت ظلم کشتند (همان: ۱۵۶).
- میرزا بر خلاف ادعای تحری حقیقت، تصدیق کورکورانه ادعای باب را غایت
قصوای علم معرفی می‌کند و می‌نویسد:

اگر کسی در یوم ظهور حق ادراک فیض لقاء و معرفت مظاهر حق را
ننماید، آیا صدق عالم بر او می‌شود اگرچه هزار سنه تحصیل کرده

باشد و جمیع علوم محدودۀ ظاهریه را اخذ نموده باشد؟ و این بالبدیهه معلوم است که تصدیق علم در حق او نمی‌شود ولکن اگر نفسی حرفی از علم ندیده باشد و به این شرافت کبری فائز شود، البته او از علمای ربانی محسوب است؛ زیرا به غایت قصوای علم و نهایت و منتهای آن فائز گشته (نوری، ایقان، ص ۹۶).

او می‌داند با ادله‌ای که برای اثبات حقانیت باب (بخوانید: برای آماده‌سازی بستر ادعای خویش) می‌آورد کسی قانع نمی‌شود؛ لذا با لحنی ملتسمانه، پذیرش ادعای بی‌دلیل باب را درخواست می‌کند و می‌نویسد:

«ای رفیق باید از امر الهی نگذریم و به آنچه حجت خود قرار فرموده راضی شویم و سر بنهیم. خلاصه، حجت و برهان این آیه منزله اعظم از آن است که این علیل تواند اقامه دلیل نماید وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْجَمِيلُ» (همان: ۱۳۵).

بی‌اختیار به یاد شاعر پارسی، عرفی شیرازی افتادم که چه خوش سروده است:

در نگیرد صحبت عرفی و شیخ صومعه
کو به زیرک دشمن و عرفی به کودن دشمن است

۵) تحریف آیات قرآن، روایات

آیات الهی و روایات معصومان علیهم‌السلام به منزله اسناد اصلی و بیانیه‌های قطعی دین هستند؛ بنابراین به علت اهمیت و برای حفظ اصالت، باید بخش‌های استنادشده عیناً و بی‌هیچ تغییر و تبدیلی ذکر شوند. اما میرزا حسینعلی نوری، برای آنکه اثبات کند ادعای علی‌محمد باب مستند به مدارک و نصوص قطعی است، بی‌پروا از قضاوت آگاهان به قرآن و متون روایی، مرتکب تحریف و جعل در

آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم السلام شده است. او سالها نه تنها اجازه انتشار *ایقان* بلکه بسیاری دیگر از آثارش را نمی‌داد. بهاء‌الله به مدت بیست سال انتشار کتاب *ایقان* را متوقف نموده بود. ادیب طاهرزاده، مبلغ بهائی در این باره می‌نویسد:

حضرت بهاء‌الله حکمت و احتیاط را توصیه فرموده‌اند. آن حضرت بیان نموده‌اند در آن ایام حکیمانه نبوده که کتب (امری) به چاپ برسد؛ زیرا اگر تعداد زیادی از این کتب در دسترس قرار می‌گرفت دشمنان امرالله در آن ارض (که مترصد بهانه ای بودند)، تحریک می‌شدند و طغیان و بلوا به وجود می‌آوردند. آن حضرت اشاره می‌فرمایند به همین دلیل بوده که انتشار کتاب *ایقان* را که حدود بیست سال قبل به طبع (اشتباه) رسیده بود، متوقف نموده‌اند.*

استاد محمدباقر نجفی در اثر ماندگار و پراجش به نام *بهائیان*، نمونه‌هایی از جعل و تحریف در کتاب *ایقان* را ذکر می‌کند:

در نسخ خطی و اولین چاپ سنگی کتاب *ایقان* در مقام بیان و ذکر اشارات و تلویحاتی که مبین ظهور الله است، به آیه ۲۱۰ سوره بقره استناد می‌کند که: چنانچه می‌فرماید: «يَوْمَ يَأْتِي اللَّهُ فِي ضُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ» و علمای ظاهر بعضی این آیه را از علائم قیامت موهوم که خود تعقل نموده‌اند گرفته‌اند که مضمون آن این است که روزی که می‌آید خدای

* کریستوفر باک، راز و رمز کتاب ایقان، ترجمه خسرو دهقانی، مجله مطالعاتی در ادیان بابی و بهائی، انتشارات کلمات، ص ۶۷.

در سایه‌ای از ابر. * وقتی کتاب / یقان به دست مطلعان معارف اسلامی افتد، ملاحظه‌ایه مذکور در متن / یقان موجب تعجب اهل فن گردید؛ زیرا اساساً چنین آیه‌ای در متن کتاب خدا وجود ندارد و حسینعلی میرزا مرتکب جعل و تحریف می‌شود؛ تحریف از آن جهت که در آیه ۲۱۰ سوره بقره می‌فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ضَلالٍ مِنَ الْعَنَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»

زعمای بهائیت، پس از توجه به چنین خطای نابخشودنی حسینعلی میرزا، چون در صدد اولین چاپ سریبی کتاب ایقان (ایقان، ۱۳۱۸ هجری) برآمدند، آیه تحریف شده مذکور را برخلاف منظور استدلال و سیاق سخن حسینعلی میرزا حذف، و جای آن آیه صحیح را برخلاف جهت موضوع، منظور نمودند. **

با توجه به گسترش عرصه‌های اطلاعاتی در زمانه فعلی و کمتر شدن امکان حک و اصلاح منشورات پر از غلط رهبران بهائی، سازمان رهبری بهائیت با قبول اختلافات / یقان با آیات و روایات اسلامی کوشش کرده است تا این تحریفات آشکار را تنها اختلاف لفظی معرفی نماید و در مقدمه همین کتاب نوشته‌اند: «لازم است گفته شود که جمال اقدس ابهی حضرت بهاءالله بعضی از آیات کتب مقدسه یا احادیث اسلامی را به مضمون در این سفر منیع نقل فرموده‌اند؛ لذا متن این قبیل منقولات ممکن است در موارد چند با اصل مندرج

* همان، ص ۴۷، ۸۹ چاپ سنگی .

** همان، ص ۶۳، چاپ ۱۳۱۸ هـ ق مطبعه موسوعات مصر، ۱۹۰۰ م.

در کتب مقدسه و احادیث اسلامی تطابق کامل لفظی نداشته باشد».*
 توضیح نویسندگان بیت‌العدل ممکن است برای پیروانش قانع‌کننده به نظر برسد و عدم انطباق لفظی نوشتجات میرزا با متن آیات و روایات را مهم تلقی نکنند؛ اما تحریفات میرزا حسینعلی در این کتاب تنها عدم تطابق کامل لفظی نیست و فقط به آیه «هل ينظرون...» منحصر نمی‌شود، وی آیات متعددی را برای نیل به مقصودش، لفظاً و معنأً تحریف کرده است، که همگی در نخستین چاپ سربی آن در سال ۱۳۱۸ (هـ.ق) بدون توجه به تعمد میرزا و برای اسکات مخالفان، مورد تصحیح جانشینان وی قرار گرفت، و البته بسیاری از موارد تصحیح‌شده، دیگر به کار استدلالات میرزا نمی‌آمدند. همین امر ثابت می‌کند که تنها چند اختلاف لفظی آیات و روایات نیست که موجب اعتراض دانشوران و اندیشمندان مسلمان به نویسنده ایقان شده است، بلکه تعمد او بر این تحریفات است که صداقت نداشتن این مدعی و حقانیت مخالفان او را نشان می‌دهد.

از جمله موارد اختلاف ایقان سنگی با ایقان چاپی تصحیح‌شده را مرحوم استاد نجفی چنین ذکر می‌کند:

۱. یوم یأتی الله فی ظلل من الغمام (ص ۶۳)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ضُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ (بقره: ۲۰۶)

* . نوری حسینعلی، کتاب ایقان، مؤسسه ملی مطبوعات بهانی آلمان، هوفمایم، آلمان چاپ اول (نشر جدید) ۱۵۵ بدیع، ۱۳۷۷ شمسی، ۱۹۹۸ میلادی، ص «ح».

٢. ولكن البر انه تؤمنوا بالله واليوم الآخر (ص ٧٨)
- ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر (بقرة: ١٧٢)
٣. و ان كبر عليك اعراضهم فان استطعت فابتغي في الأرض (ص ١٠٩)
- وَإِنْ كَانَ كَبْرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ
(انعام: ٣٥)
٤. كحمر مستفرة من القسورة (ص ٤٤)
- كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنَفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (مدثر: ٥١)
٥. والأبرار يشربون عن كأس (ص ٣٥)
- إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ (دهر: ٥)
٦. اولئك يتسوا من رحمة الله (ص ١١٦)
- اولئك يتسوا من رحمتي (عنكبوت: ٢٢)
٧. ليتنى مت قبل موقفي هذا ام كنت (ص ٤٧)
- ليتنى مت قبل هذا وكنت (مريم: ٢٣)
٨. واذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا... عليهم بما فى الصدور (ص ٦٥)
- اذا لقوكم قالوا آمنا... عليهم بذات الصدور (آل عمران: ١١٥)
٩. و نفخ فى الصور ذلك رجع بعيد (ص ٩٥)
- و نفخ فى الصور ذلك يوم الوعيد (ق: ١٩)
١٠. ولكنه رسول الله (ص ١٥٠)
- ولكن رسول الله (احزاب: ٤٠)

استاد در ادامه توضیح می‌دهد:

... اولین چاپ کتاب /یقان در سال ۱۳۰۸ (هـ.ق) به اهتمام غصن اکبر و... در بمبئی چاپ و انتشار یافت. انتشار نسخه مذکور، با توجه به اینکه میرزا حسینعلی خود را در برابر صبح ازل عبد خوانده، و او را به عنوان مصدر امر در نظر آورده است، موجب استناد ازلیان در محکومیت دعاوی میرزا حسینعلی بهاء گردید... لذا بهائیان تصمیم گرفتند، کتاب /یقان را مطابق مصالح خود تصحیح، و چاپ دیگری را از آن ارائه دهند! تا نسخه چاپی ۱۳۰۸ هجری قمری، غصن اکبر که مورد استناد براون، از مقدمه خود بر کتاب نقطه الکاف شده بود، از اذهان بهائیان دور سازند؛ و به همین خاطر است که فاضل مازندرانی در صفحه ۲۶۸ کتاب اسرار الآثار، ذیل کلمه «ایقان» اولین چاپ سنگی /یقان را نسخه‌ای تلقی کند که در سال ۱۳۱۰ (هـ.ق) به خط مشکین قلم در بمبئی چاپ شده است* در این چاپ اگر چه کلمات و جملاتی که مبین اظهار بندگی حسینعلی میرزا نسبت به صبح ازل است تصحیح گردید؛ ولی اشتباه‌های حسینعلی میرزا در ذکر آیات و احادیث و اغلاط فراوان ادبی** کتاب /یقان

* البته با توجه به تطبیق خط نسخه مذکور با دیگر آثار خطی مشکین قلم، نسبت نسخه ۱۳۱۰ به مشکین قلم جای تأمل و تردید است.

** چنان‌که آقای حلبی به تفصیل در رساله پژوهش جامع درباره ایقان، چاپ تهران، ۱۳۴۵ هـ.ق سنگی صفحه ۲۲۲ به آن اشاره کرده‌اند. همچنین شیخ محمدرضا افضل در کتاب: فلنات اهل ایمان ۸۴ خطای

همچنان بر جای ماند... بعدها بهائیان، چون دیدند و یافتند که تصحیح‌های صورت‌پذیرفته در متن *ایقان* چاپ ۱۳۱۰ (هـ.ق) باب انتقاد و اعتراض محققان را در ذکر اغلاط ادبی و آیات و احادیث، مسدود نمی‌کند، تصمیم گرفتند تصحیح دیگری از متن مذکور به عمل آورند و آن را با حروف سربی به چاپ رسانند. *ایقان* مذکور مطابق مصالح بهائیان شد.* و در سال ۱۳۱۸ (هـ.ق)



ادبی کتاب مذکور را برملا ساخته است.

* استاد نجفی در کتاب بهائیان می‌نویسد:

متأسفانه تا این اواخر نسخه موثق از نسخه‌های خطی قدیمی کتاب *ایقان* در دسترس محققان وجود نداشت و اصولاً بهائیان جهت پنهان‌کردن حقایق اصلی کتاب *ایقان*، نسخه‌های خطی آن را جمع‌آوری و از دسترس خواص و عوام بهائی دور نگه داشته‌اند. از این رو مدرکی که سندیت کتاب *ایقان* سنگی را روشن کند به دست اهل تطبیق و نسخه‌شناس نیفتاد. و بهائیان چون از این مجرا اطمینان حاصل کردند، در برابر اعتراضات بعضی از محققان، صریحاً گفتند که در نسخه‌های خطی آیات و احادیث توسط میرزا حسینعلی بهاء غلط نگاشته نشده است و اشتباه اساساً از کاتب چاپ سنگی آن بوده است و به همین جا پرونده جعل و تصحیح مجدد *ایقان* به زعمشان بسته شده تلقی گردید. قضا و روزگار، گذر مؤلف این کتاب به مصر افتاد. چند ماهی از سال ۱۳۵۶ هـ.ق = ۱۹۷۷ را مؤلف به طور تمام وقت، به بررسی نسخه‌های خطی، در کتابخانه بزرگ مصر مشغول بود. در دارالکتب قاهره، ضمن بررسی بیش از ۱۵۰۰ نسخه خطی فارسی، به کتاب کوچکی به قطع ۵/۸ × ۱۳ سانتیمتر ۹ سطری در ۹۲ ورق دستیابی پیدا کردم که در ابتدای امر جلب نظر را نمود و آن را به خاطر خستگی زیاد نخوانده رها کردم. چند روزی از این واقعه گذشت و شبی تصمیمی یک‌چارچه وجودم را فراگرفت که کتاب مذکور را مجدداً ببینم. کتاب پس از مطالعه معلوم شد *ایقان* میرزا حسینعلی بهاء است. که به شماره (۵۰۶۱ س) در دارالکتب و الوثائق القومیه مصر ثبت و ضبط است. نام کاتب کتاب کتابت نشده است، همین قدر پیداست که به خط زین المقریین کاتب وحی! میرزا حسینعلی بهاء است. خوشبختانه تاریخ کتاب نسخه خطی مذکور، به سال ۱۲۹۵ هـ.ق در ذیل آخرین سطور کتاب نگاشته شده است با توجه به اینکه میرزا حسینعلی در سال ۱۳۰۹ هـ.ق مرد، معلوم می‌شود که نسخه مذکور ۴ سال قبل از مرگ مؤلف *ایقان* نوشته شده است. و از سرزمین فلسطین، مستقیماً به دست یکی از شخصیت‌های سیاسی فرهنگی مصر افتاده



به بعد، از طرف بهائیان تهران و قاهره و دهلی چاپ و منتشر گردید... در این چاپ‌هاست که می‌بینیم آیه «یوم یأتی الله فی ظلل من الغمام»... که در چاپ ۱۳۰۸ و... دقیقاً به جای آیه به غلط نوشته شده بود، حذف و صحیح آیات و احادیث، با تصحیحی از دیگر اغلاط فاحش ادبی، حروفچینی گردید. (نجفی، ۱۳۸۰: ۴۴۲-۴۴۹).

مرحوم نجفی در پاورقی همین صفحه از کتاب *بهائیان* می‌نویسد:

«در مقابله‌ای که مؤلف کتاب از نسخه خطی زین‌المقریین و چاپ اول *ایقان* با دیگر چاپ‌های بعدی به عمل آورد، حدود ۴۹۱ مورد اختلاف پیدا شد! که خود رساله مستقلی است.»

ج) کتاب اقدس

کتاب *اقدس*، کتاب احکام و قوانین دینی بهائیان است و بهائیان معتقدند که کتاب *اقدس*، وحی منزل بر بهاء‌الله بوده است. کتاب‌های طرازات، تجلیات،



است و بعدها ضمن کتب دیگری به دارالکتب مصر تحویل داده شده است. حقیر از صفحات کتاب عکس‌برداری نمود و پس از مراجعت به وطن عزیز، آن را با ایقان چاپ سنگی مطابقت کرد، دقیقاً مطابق هم بودند و با چاپ حروفی ایقان اختلافات فاحش انشایی و... داشت. با توجه به قدمت نسخه خطی مذکور، آنهم موجود در یکی از معتبرترین کتابخانه‌های جهان و غیرشیعی! مصر می‌تواند نشانگر گوشه‌ای از جعف و تزویرهای بهائیان باشد. از سوی دیگر مؤلف پس از بازگشت به ایران، متوجه شد که در کتابخانه مجلس شورای ملی، نسخه دیگر از ایقان خطی به خط زین‌المقریین وجود دارد. این نسخه، دقیقاً به نسخه خطی موجود در دارالکتب مصر و نسخه چاپ ۱۳۰۸ هـ ق منطبق است و این امر نشان می‌دهد که نسخه ۱۳۰۸ هـ ق بر اساس ایقانی به چاپ رسیده است که زین‌المقریین از آن نسخ متعددی را استنساخ کرده است! (نجفی، بهائیان ص ۴۴۷).

بشارت، اشراقات، کلمات مبارکه مکنونه و کلمات فردوسیة نیز از متعلقات کتاب اقدس محسوب می‌شوند.

تاریخ و مکان نگارش

بهاءالله در حدود سنه ۱۸۷۳ میلادی در شهر عکا، در منزل مسکونی وی که به «بیت عودی خمّار» شهرت داشته، کتاب اقدس را نگاشته است (شوقی افندی، ۱۹۹۲: ۴۲۶).

اهمیت این اثر

شوقی افندی درباره اهمیت این اثر می‌نویسد:

این سفر بدیع مخزن احکام و شریعت ربانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به «سماجدید» و «ارض جدید» و «هیكل رب» و «مدینه مقدسه» و «عروس» و «اورشلیم جدید النازل من السماء» تشبیه نموده است. این کتاب مقدس که حدود و احکامش مدت یکهزار سال ثابت و لن یتغیر مانده و نفوذ و سطوتش اهل ارض را احاطه خواهد نمود، اعلی و اجلی ثمره اسم اعظم و ام‌الکتاب دور اعز اقدس ابهی و منشور نظم بدیع اسنی در این قرن امنع افخم محسوب است (همان: ۴۲۶).

بیت‌العدل اعظم بهائی هم به تاسی از شوقی، درباره این کتاب می‌نویسد:

«ام‌الکتاب آئین بهائی، کتاب مقدس اقدس، محتوی حدود و احکام الهی برای دور بهائی است و به اراده الهی، لااقل هزار سال امتداد خواهد یافت» (شوقی، ۱۴۹: بدیع: ۷).

نقد اثر

(۱) سبب نگارش کتاب/قدس، اتمام دوره بیان یا...؟

میرزا حسینعلی نوری در ابتدای ادعای خود، با قوت مدعی بود که قرار است کاملاً در جهت استقرار و اثبات بیان حرکت کند و هر گونه ادعا دربارهٔ نسخ بیان را توطئه‌ای از سوی مخالفانش می‌داند:

بدانید ای قوم، که این غلام رحمن در جمیع احوال اراده‌اش آن بوده آنچه از ظهور قبلش نقطه بیان روح من فی الاکوان فداه نازل شده ثابت نماید، حرکت ننموده‌ام مگر به رضای او... ولکن مشکرین بیان گمان نموده‌اند و در بادیه‌های مهلکه ظن مشی کرده‌اند چنان‌که نسبت داده‌اند که این غلام گفته نقطه بیان از یک حرف من خلق شده، لا والله آنچه نازل شده منزل حق تعالی... بوده و خواهد بود. بگویند ای بی‌شرم‌های ارض (خطاب به پیروان باب است که مخالف با بهاء هستند) آنچه در این ظهور نازل بعینه همان کلمات «نقطه اولی» بوده و خواهد بود (نوری: ۳۹۴).

با عنایت به عبارت «... و خواهد بود»، پس از استقرار بر کرسی من یظهره الهی، کتاب/قدس را به عنوان کتاب احکام بهائیان نگاشت. او این کتاب را ناسخ بیان معرفی کرد و پیروانش را به پیروی از آن امر کرد. اما/قدس با بیان اختلافات اساسی بسیاری دارد. رهبران و مبلغان سرشناس بهائیت هم بر این مطلب تصریح کرده‌اند. عباس افندی دربارهٔ این اختلاف می‌نویسد:

«در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان، ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق و هدم بقاع و قتل عام الا من آمن و صدق بود، اما در این دور

بدیع و قرن جلیل، اساس دین الله و موضوع شریعت الله، رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسانی است (افندی، ۱۴۹ بدیع: ۲، ۲۶۶).

گلپایگانی، مبلغ مشهور بهائی می نویسد:

«کتاب بیان و اقدس» در اصول و فروع، با یکدیگر چنان مختلف و متفاوت اند که انجیل با تورات، و کعبه با سومنات» (گلپایگانی: ۱۶۶).

فاضل مازندرانی نیز بر این مطلب تصریح می کند و می نویسد:

«کتاب اقدس شریعت بهائیه و ام الكتاب... و شریعت بیان را نسخ و تغییر داد و مرجع تمام احکام و اوامر و نواهی گشت» (فاضل مازندرانی، ۱۴۹ بدیع: ۱۶۱).

۱. چگونه می توان پذیرفت که خدای حکیم، آئینی را نازل کند که برای استقرارش جامعه‌ای به اغتشاش کشیده شود و جانها و مالها و اعراضی بر باد رود. از آغاز ادعای باب که زمان چندانی نگذشته بود! از آن همه احکام و دستورهای باب، یک‌دهم آنها حتی برای یکبار اجرا نشده بود.

۲. خود میرزا حسینعلی که قبلاً مدعی بود او اقدام به نسخ بیان نخواهد کرد و ادعای نسخ بیان توسط خود را دروغی دانست که پیروان برادرش، ازل، برای بدنام کردن او ساخته و پرداخته‌اند.

عزیزه خانم نوری، خواهر میرزا حسینعلی، که از مخالفان سرسخت او و مدافع جدی باب و میرزا یحیی صبح ازل است، در این باره چنین می نویسد:

و اما مطلب اول که مدعی می گوید «من ناسخ بیان و احکام و شرایع

بیانم و صاحب کتاب و شریعتم» حالا از شما سؤال می‌نمایم: اگر شخص فلاح بصیر با دانش، بذری صحیح بدون نقص در مزرعه‌ای بیفشانند که از محصول آن بهره ببرد و از ثمره آن فایده‌ای بردارد و آن بذر هنوز ریشه‌ای به زمین ندوانیده و سر از خاک برنیاورده، شاخ و برگ نکرده و ازهار و اثمارش را کسی ندیده و نچیده، بلکه درست نشنیده و نفهمیده آن زمین را برگرداند و آن بذر را بکلی ضایع و باطل کند، به حکم عقل سلیم و دانش مستقیم، یا باید آن فلاح بی‌بصیرت باشد و یا آن بذر ناقص و بی‌مغز.

اگر در شمسیت «نقطه اولی» او را حرفی و اشکالی باشد که آن حضرت کامل و بینه‌اش کافی و مکفی نبوده است، به حکم عقل صریح، چنین کلامی قابل استماع نیست. سهل است به حکم صاحب بیان گوینده او را کافر می‌دانیم و یا می‌گوییم که شریعت آن حضرت ناتمام و احکامش ناقص بوده است. شخص مدعی برای تکمیل آن شریعت مبعوث شده این دعوی نیز باطل و محل اعتنا نیست... خداوند متعال می‌فرماید: «مانسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها». اگر آیات و احکام کتاب بیان بر حسب استعداد زمان بر فرقان سمت رجحان نداشته نسخ آن لزومی نداشته است که پس از نسخ آن نزول بیان به جهت نقصان آن مکمل و مصححی دیگر آید و بیان را تکمیل نماید (نوری، عزیه: ۹۸).

۲) چرا زبان این کتاب عربی است؟

قرآن، وحدت لسان پیامبران و کتب آسمانی آنها را با زبان نخستین قومی که در میان آنها مبعوث شده‌اند، سنتی الهی می‌داند و می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر به زبان قوم خودش

زیرا پیامبران در درجه اول با قوم خود، همان ملتی که از میان آنها برخاسته‌اند، تماس داشتند و نخستین شعاع وحی به وسیله پیامبران بر آنها می‌تابید، و نخستین یاران و یاوران آنها از میان آنان برگزیده می‌شدند، بنابراین پیامبر باید به زبان آنها و لغت آنها سخن بگوید «تا حقایق را به روشنی برای آنان آشکار سازد» (مکارم شیرازی: ۱۰، ۲۶۹).

هر رسولی که مأموریت تعلیم و تربیت و دعوت هر قومی را عهده دارد، باید هم‌زبان آنها باشد و به لغت آنها سخن بگوید و بر اساس اعجاز نباشد و از لغت و زبان آنها که سخن می‌گویند اجنبی نباشد و چنانچه نسبت به اقوام و اجتماعات دیگری نیز مأموریت داشته، وسیله لغت قوم خود دعوت او انتشار یابد و به منزله ترجمه دعوت رسول باشد، همچنان که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر قبایلی که هم‌زبان و لغت آنان عربی بوده، در آغاز مأموریت یافت و سپس از طریق لغت عربی، دعوت رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقطار جهان را فراگرفت و خصوصیات آن که دین اسلام دارد، از جمله نظر به اینکه دعوت آن جهانی و به همه اقوام و قبایل و اجتماعات بشری متوجه و به طور دائم و همیشگی است، و از طرفی لغات عربی از نظر اشتقاق و ریشه و انشعاب از یک اصل بی‌نظیر است و قرآن کریم نیز که بر اساس اعجاز دائم و باقی است، به این لغات شیوا نازل شده، بر این اساس زبان رسمی و عمومی و لغت دائر و رایج در اجتماعات اسلامی در اقطار جهان از نظر دین، همانا لغت عربی است، از جمله نمازهای پنج‌گانه باید به زبان عربی خوانده شود و نیز ادعیه و احکام و

معارف اسلامی که از اهل بیت رسیده، همه و همه به زبان و لغت عربی است. (حسینی: ۹، ۲۵۵).

اما کتاب *اقدس* که به عنوان کتاب آسمانی به پیروان میرزا حسینعلی نوری عرضه شده است علی‌رغم آنکه میرزا حسینعلی آئین خویش را اگرچه در عراق عرب اما برای بابیان ایرانی بنیاد نهاد و حیطة تبلیغ آئین خود را نیز در ایران قرار داده بود و این بر خلاف سنت الهی در نظام ارسال رسل است، واقعاً دلیل قابل اعتنائی برای عربی بودن این آثار به دست نمی‌آید؛ زیرا باید این آثار یا به زبان اولین گروه یا لاقبل برای اکثریت پیروان نازل می‌شد که بنابر مشاهدات و تحقیقات میدانی نگارنده پیروان عرب‌زبان بهائیت از نظر تعداد اقلیت بسیار محدودی هستند؛

یا آنکه از نظر ادبی چنان ارزش فوق العاده‌ای داشت که می‌توانست توجیه‌کننده نزول به زبان عربی باشد اما به طرز فاحشی *اقدس* و سایر آثار عربی میرزا حسینعلی ارزش ادبی نیز ندارند و این در حالی است که میرزا حسینعلی بهاء‌الله به واسطه تحصیلات بیشتر و زندگی در ممالک عرب، عربی را خیلی بهتر از باب می‌دانست، اما مانند علی محمد شیرازی اغلاط بسیاری در آثارش دیده می‌شود که به گوشه‌هایی از آن ذیلاً اشاره می‌شود:

أنا امرناکم بکسر حدودات النّفس و الهوی لا ما رقم من القلم الاعلی
 أنه لزوح الحيوان لمن فی الامکان» (نوری (اقدس): ۳)

«حدود» جمع «حد» است و «حدودات» در واقع جمع بستن مجدد کلمه جمع به نحو نامتعارف است که از منظر علم صرف غلط شمرده می‌شود.

یا قلم الاعلی قل یا ملأ الانشاء... (نوری (اقدس): بند ۱۶)

عبارت صحیح این است که بگوید:

یا ایها القلم الاعلی قل یا ملا الانشاء

لتعاشروا مع الادیان و تبلّغوا امر ربکم الرحمن... (همان: بند ۷۵)

اینجا باید می گفت لتعاشروا الادیان

تفکروا فی هذه الایة ثم انصفوا باللّه لعلّ تجدون لثالی الاسرار.... (همان: بند ۱۳۷)

و در این جمله باید به جای لعلّ تجدون می نوشت لعلکم تجدون....

لیس لاحد ان یتمسک الیوم الا بما ظهر فی هذا الظهور هذا حکم اللّه من قبل و من

بعد و به زین صحف الاولین.... (همان: بند ۱۳۸)

که می بایست می نوشت زینت چرا که صحف جمع مکسر است و فعل آن

باید با تاء تأنیث ذکر شود.

انظروا ما نزل فی مقام اخر لعلّ تدعون ما عندکم.... (همان: بند ۱۴۰)

که در این مقال هم باید لعلکم تدعون ما عندکم آورده می شد

جالب است با این حجم از اغلاط لفظی و معنایی بی پروا آثار خویش را

میزان اعظم برای سنجش معرفی می کند:

قل یا معشر العلماء لا تزونا کتاب اللّه بما عندکم من القواعد و العلوم انه لقسطاس

الحقّ بین الخلق قد یوزن ما عند الامم بهذا القسطاس الاعظم و انه بنفسه لو انتم تعلمون

(همان: بند ۹۹)

اندکی پیش تو گفتم غم دل ترسیدم که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیار است

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. اصفهانی، حیدر علی، ۱۳۱۲، *دلایل العرفان*، بمبئی.
۳. باک، کریستوفر، [بی تا]، *راز و رمز کتاب ایتقان*، ترجمه خسرو دهقانی، کلمات، [بی جا].
۴. براون، ادوارد؛ ۱۳۸۴ ش، یکسال در میان ایرانیان، مانی صالحی علامه، اختران - تهران چاپ اول.
۵. حسینی همدانی نجفی ایت الله سید محمد، *انوار درخشان*، ج ۹.
۶. حلبی، شیخ محمود؛ [بی تا]، *نقد ایتقان*، نسخه اختصاصی، [بی جا].
۷. دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه*.
۸. شوقی افندی؛ ۱۴۹ بدیع - ۱۹۹۲ میلادی، *قرن بدیع*، ترجمه نصرالله مودت، مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی، انتاریو کانادا، چاپ دوم.
۹. شیرازی علی، محمد؛ [بی تا]، *بیان عربی*، نسخه اختصاصی، [بی جا].
۱۰. _____؛ [بی تا]، *بیان فارسی* نسخه اختصاصی، [بی جا].
۱۱. _____؛ *رساله پنج شأن*، باز تکثیر مرکز اسناد جنبش بایبه.
۱۲. فاضل مازندرانی، اسدالله؛ ۱۲۹ بدیع، *اسرار الاثار*، مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۱۳. قدیمی، ریاض؛ ۱۹۹۳، *سلطان رسل حضرت رب الاعلی*، تورنتو، کانادا.
۱۴. گلپایگانی، ابوالفضل، ۱۳۳۴، *کشف الغطاء* بی جا.
۱۵. ماهنامه گوهر سال ۵ شماره ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۲۵۳۶، شماره مسلسل ۵۹ و ۶۰.
۱۶. محمد حسینی، نصرت الله؛ *حضرت باب*، مؤسسه معارف بهائی.
۱۷. مصطفوی، حسن؛ ۱۳۴۴ هـ ش، *محاکمه و بررسی باب و بهاء*، برهان، تهران.
۱۸. مکارم شیرازی، آیت الله؛ *تفسیر نمونه*، ج ۱۰.
۱۹. نامه دارالتحقیق مرکز جهانی مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰.
۲۰. نجفی، محمدباقر، ۱۳۸۰، *بهایان*، مشعر.

۲۱. نوایی، عبدالحسین؛ بهار ۱۳۶۲، فتنه باب، بابک، چ سوم.
۲۲. نوری عزیزه خانم تنبیه النائمین برگرفته از سایت <http://www.tabarestan.info>
۲۳. نوری، حسینعلی؛ اقدس، نرم‌افزار جامع آثار بهائی، منتشره از سوی بیت‌العدل اعظم بهائی حيفا اسرائیل.
۲۴. _____؛ ایقان، ص ۴۷، ۸۹ چاپ سنگی ۱۵۷ صفحه ۱۵ سطری که تاریخ و نشر آن مقارن حیات میرزا حسینعلی است.
۲۵. _____، ۱۹۰۰ م، ایقان، چاپ اول، سربی، ۱۳۱۸ هـ. ق. مطبوعه موسوعات مصر.
۲۶. _____، چاپ اول (نشر جدید) موسسه ملی مطبوعات بهایی آلمان ۱۵۵ بدیع، ۱۳۷۷ ش، ۱۹۹۸ م.
۲۷. نوری، میرزا عباس عبدالبهاء؛ ۱۳۴ بدیع، مکاتیب مؤسسه مطبوعات امری، ج ۲.
۲۸. یزدانی، احمد؛ آذر ماه ۱۳۴۰ هـ ش، جواب پاره شبها، تهران.